

پیش‌خوان

«سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک» در آیین‌ه مروری کوتاه

برگ‌هایی دربارهٔ حیات سیاسی «پدر ساواک»

محمد رضا کائینی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به بازخوانی حیات سیاسی تیمور بختیار اولین رئیس ساواک در آیینه تحلیل و سند پرداخته است. او که نخست در قامت «قصاب تهران»

ظاهر شده بود، رفته رفته به مخالف جدی شاه میدل و نهایتاً از سوی وی، از میان برداشته شد! «سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک» توسط منیژه صدری تألیف و تدوین و از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، روانه بازار نشر شده است. مؤلف در دیباچهٔ خویش بر این اثر، در باب محتوای آن چنین آورده است:

«سرتیپ تیمور بختیار که روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ به سمت فرماندهی لشکر ۲ زرهی منصوب و پس از چند ماه با حفظ سمت، فرماندار نظامی تهران شد، از جمله افرادی است که در دوران تثبیت دیکتاتوری مطلقه شاه، نقش مهمی به عهده داشت. وی که به عنوان پدر سازمان اطلاعات و امنیت کشور معروف شد و از منسوبین ثریا بختیاری همسر شاه بود، در پایان سال ۱۳۳۹ از کار برکنار و نهایتاً در ۴ بهمن ۱۳۴۰، از ایران خارج شد. وی که از سال ۱۳۴۱ به تدریج فعالیت علیه رژیم شاهنشاهی را آغاز کرده، به یکی از خردسراهای رژیم تبدیل شد و سرانجام در سال ۱۳۴۹ به قتل رسید و این سوال را پیش روی همگان قرار داد که وی تحت چه شرایطی پس از کودتای ۲۸ مرداد، به سرعت مدارج ترقی را طی کرد و جزو بخیگان سیاسی- نظامی ایران گردید و به چه دلیل دوران اقتدارش، دولت مستعجل نبود؟ فرضیه اصلی پژوهش حاضر که بر پایه اسناد منتشره و غیر منتشره ساواک و کتب تاریخی محققان و مورخان



تیمور بختیار، در حاشیه کوهنوردی

داخلی و خارجی و همچنین براساس خاطرات افراد هم‌دوره بختیار فراهم آمده، این است که در دهه ۱۳۳۰ و پس از کودتای ۲۸مرداد، ساختار قدرت سیاسی به سمت دیکتاتوری حساس و سرکوب تمامی نیروها و گروه‌های اجتماعی در حرکت بود و در نتیجه از تمامی عوامل و ابزارها در جهت تثبیت قدرت خویش بهره می‌برد و در عین حال نسبت به خطر یا خطرات احتمالی حساس و مستحسبر بود. بالطبع نیروهای مستقل که دارای پایگاه اجتماعی یا شغلی و مالی نیرومند بودند و امکان خطر آفرینی برای رژیم سیاسی از جانب آنها محتمل به نظر می‌رسید، به طرق مختلف از صحنه سیاسی کشور کنار زده شدند. بنابراین بختیار به دلیل شخصیت مقتدر و پایگاه گسترده در میان معشایر و نیروهای نظامی و با توجه به امکانات مالی و روابط گسترده داخلی و خارجی، می توانست قسدس رزوی و تلاش فراوان و زیاده امسام رضاع) در سال ۶۳بر گزار کند. به این ترتیب با همت آستان قدس رزوی و تلاش فراوان بسیاری از علما و پژوهشگران و بعد از فراخوان برای ارسال و دریافت مقالات و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، مقدمات برگزاری این- کنگره فراهم

ایران، در اواخر دهه ۳۰ از کار بر کنار شد. کتاب حاضر بر مبنیاسی فرضیه فوق، صورتبندی و تنظیم کرده است. در فصل نخست، اوضاع کلی دهه ۱۳۳۰ و عملکرد شاه جهت تثبیت نظام سیاسی خویش بررسی شده است. فصل دوم تاریخچه زندگی تیمور بختیار، نقش وی در تثبیت نظام شاهنشاهی و سپس مسئله اموال و دارایی‌های وی به عنوان عاملی خطر ساز برای رژیم بررسی شده است. فصل سوم به مجموعه اقدامات و فعالیت‌های بختیار در خارج از کشور، طی سال‌های ۴۰ تا ۴۷ اختصاص دارد. در این قسمت کتاب نخست پایان می‌یابد. کتاب دوم به بررسی دستگیری و استرداد وی پرداخته است. کتاب سوم به بررسی فعالیت‌های بختیار به عنوان اوبوزیسور در عراق اختصاص دارد. در این قسمت روابط وی با احزاب، گروه‌های سیاسی عراق از کشور، دانشجویان مقیم خارج، دولت عراق و ترور بختیار مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد....»



تاریخچه برگزاری کنگره ادواری امام رضاع) به مناسبت سالروز برگزاری اولین دوره آن

کنگره‌ای که تاریخ‌ساز شد

نوشه میرمهرشی
بی‌شک یکی از دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در بخش اندیشه و فرهنگ دینی، گسترش معارف اهل بیت(ع) در میان خواص و عوام جامعه بوده است. گرچه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و بر اساس میراث شیعی، مردم ایران به شدت محب خاندان یساک رسول الله(ص) بوده‌اند، اما بعد از انقلاب ترویج معارف و اندیشه حضرات معصومین(ع) به عنوان کاری که در دوره پهلوی با مانع جدی مواجه بوده است، به صورت کمی و کیفی سرعت گرفت. یکی از اقدامات قابل تقدیر در نظام جمهوری اسلامی که به همت آستان قدس رضوی و علما و پژوهشگران حوزه دین، با هدف گسترش معارف اهل بیت و شناخت و شناساندن حضرت ائمه معصومین(ع) طی چند دهه انجام گرفته، برگزاری کنگره جهانی حضرت رضاع) بوده است اما اینکه این کنگره در چه تاریخی و با چه هدفی شروع به کار کرد؟
چطور ادامه پیدا کرد و چه دستاوردهایی داشته است را در مقال زیر مورد بررسی قرار داده‌ایم.امید آنکه تاریخ‌پژوهان و معاصر و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

کنگره‌ای برای شناخت پیشوایان دین

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، روند شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی تاب‌دان‌سان با حوادث و وقایع تلخ و شیرین گوناگون همراه بود که فرصت کمتری برای فعالیت‌های بزرگ فرهنگی وجود داشت. به ویژه بعد از حمله از تش بعث صدام به خاک ایران و هم‌زمان با اقدامات مخربانه ضدانقلاب و جریان منافقین و بنی صدر، عملاً تمام قوت و قدرت نیروهای انقلابی، برای حفظ انقلاب و نظام صرف می‌شد اما بعد از مقابله نظام با منافقین و فرار سران آنها از کشور و ایجاد آرامش نسبی سیاسی در ایران و مهم‌تر از آن منسجم شدن روند دفاع از کشور در برابر ارتش صدام و سپس آزادسازی خرمشهر، شرایط برای پیشبرد اهداف فرهنگ دینی، در سطح وسیع فراهم شد.

بر همین اساس در بهمن ۱۳۶۲، ش بود که شورای علمی آستان قدس رضوی، تصمیم گرفت تا کنگره‌ای با هدف ایجاد حرکتی علمی، فرهنگی و تحقیقاتی برای شناختن و شناساندن ائمه معصومین(ع) به ویژه امام رضاع) در سال ۶۳بر گزار کند. به این ترتیب با همت آستان قدس رضوی و تلاش فراوان بسیاری از علما و پژوهشگران و بعد از فراخوان برای ارسال و دریافت مقالات و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، مقدمات برگزاری این- کنگره فراهم

شد. نخستین کنگره در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۶۲، ش که مصداق با میلاد حضرت ثامن الحجج(ع) بود، در مشهد مقدس به ریاست آیت‌الله احمد جنتی آغاز شد و تا پنج روز بعد (۲۲ مرداد) ادامه پیدا کرد. در این کنگره حجج اسلام سیدجواد مصطفوی، دبیری و سید جلال فیاضی، معاونت اجرایی کنگره را بر عهده داشتند. همچنین در این کنگره آیت‌الله عباس واعظ طبسی به عنوان تولیت حرم قدس رضوی، فرسنجانی، آیت‌الله محمد امامی کاشانی و... به ایرن سخنرانی درباره شخصیت و مقام امام رضاع) پرداختند و اساتید و علمای بزرگی چون سیدجعفر مرتضی عاملی، ناصر مکارم شیرازی، سیدجواد شهرستانی، محمدمهدی نجف و... با ارائه مقاله در این کنگره شرکت کردند. در این دوره، از محققان و نویسندگان ایرانی و خارجی (تقریباً ۸۰ نفر) دعوت شده بودند که حدود دو سوم این افراد نتوانستند در این همایش شرکت کنند. شاید بتوان گفت عواملی چون جنگ تحمیلی و تهدیدات صدام، هم‌زمانی این کنگره با اعزام زائران ره حج و سنگ‌اندازی رزسای برخی کشورهای اسلامی، مانع از آمدن محققان خارجی به ایران برای شرکت در این کنگره شد.
جالب است که بیشتر سخنرانان در این کنگره، بر جریان کار کمی‌های در زمینه شناخت ائمه و به ویژه امام رضاع) تأکید داشته‌اند. به طور مثال آیت‌الله خامنه‌ای - که در آن زمان رئیس‌جمهور بود- در پیام به کنگره علمی بین‌المللی امام علی‌بن‌موسی‌الر ضاع) فرموده بودند:

«بِسْمِاللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکیل کنگره علمی زندگی امام هشتم در جوار تربت پاک آن بزرگوار و هم‌زمان با سالروز ولادت آن حضرت، گام تازه‌ای در جهت روشنگری چهره تابناک ائمه معصومین (ع) و آشنایی با زندگیامه پر حماسه و پر رنج آن پیشوایان عظیم‌الشان است. باید اعتراف کنیم که زندگی ائمه(ع) به درستی شناخته نشده و ارج و منزلت جهاد مرات‌بار آنان حتی بر شیعیانشان پوششیده مانده است. به‌رغم هزاران کتاب کوچک و بزرگ قدیم و جدید درباره زندگی ائمه،امروز همچنان غباری از ابهام و اجسال، بخش عظیمی از زندگی این بزرگواران را فرا گرفته و حیات سیاسی برجسته‌ترین چهره‌های خاندان نبوت که دوفرن‌نیم‌از حساس‌ترین دوران‌های تاریخ اسلام را در برمی‌گیرد، با غرض‌ورزی و بی‌ایعتنایی یا کج‌فهمی بسیاری از پژوهندگان و نویسندگان روبه‌رو شده است. این است که ما از یک تاریخچه مدون و مضبوط، درباره زندگی پر حادثه و پرمجازی این پیشوایان تهیدستیم....»



۱۳۶۵:نمایش آئیر برگزاری کنگره جهانی امام رضاع)

دور

در جریان انجام مقدمات برگزاری کنگره امسام رضاع)، اتفاقی شگفت‌انگیز رخ داد که منجر به چاپ کتاب «گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد» به قلم رهبر معظم انقلاب اسلامی شد. اما ماجرای آیت‌الله خامنه‌ای در مقدمه آن کتاب نوشته‌اند، به این‌ قرار است که در سال ۱۳۴۶، ش یکی از دانشجو یان مؤسسه علوم اجتماعی (وابسته به دانشگاه تهران)، برای بخش تحقیقات دینی این مؤسسه، از آیت‌الله خامنه‌ای به اصرار می‌خواهد رساله‌ای را درباره حوزه‌های علمیه مشهد تهیه کنند. ایشان هم کار تحقیقی و پژوهش را شروع می‌کنند...»

مؤسسه بفرستند. پس از مدتی آیت‌الله خامنه‌ای توسط شهید آیت‌الله مطهری، از وابستگی مسئول بخش دینی آن مؤسسه به دربار پهلوی و انحرافات عقیدتی او مطلع می‌شوند. اطلاع از این موضوع باعث می‌شود رهبر انقلاب، ادامه پژوهش برای مؤسسه را متوقف کنند و در عین حال از اینکه این رساله پژوهشی به دست یک فرد منحرف و وابسته به دربار افتاده بوده، ناراحت باشند اما ایشان مدتی بعد، با تماس فردی از همان مؤسسه، متوجه می‌شوند که اصل پاک‌نویس آن رساله گم‌شده و اینکه مسئولان مؤسسه تقاضا داشته‌اند آن رساله دوباره بازنویسی شود که البته ایشان بهانه می‌آورند و با خیال راحت، از زیر بار این تقاضا شانه خالی می‌کنند.

مسئال‌ها می‌گذرد و بعد از برگزاری کنگره اول، ایشان با مشاهده پیش‌نویس‌های نامنظم بانکوت کردن معارف دینی و تاریخ تمدن درخشان اسلامی که بر گرفته از اندیشه امامان شیعه بوده است، سعی در تصحیف اسلام و مسلمین داشته‌اند. در ایران مانیز بعد از شکست جنبش مشروطه و تسلط عناصر فرنگ‌گرا و وابسته به سفارتخانه‌های بیگانه در عرصه سیاست، جریانی برای حذف اندیشه دینی و به ویژه معارف شیعی، با تمام قوا به میدان آمد. البته با روی کار آوردن پهلوی‌ها به وسیله انگلستان، این جریان به شکل حکومتی به فعالیت خود ادامه داد و عناصر ضددین با شدت و حمایت بیگانگان، به ترویج تفکر خود اقدام می‌کردند. اما با شروع نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام(ره) و سپس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی،مقابله با این جریان موجب شد قدرت دشمن در حمله به اندیشه دینی کم شود. آنچه‌ان که به قول حضرت آیت‌الله جوادی آملی، انقلاب اسلامی سدی مقابل سیاست‌های ضد دینی پهلوی‌ها شد. ایشان در سخنرانی‌ای که در دومین دوره کنگره ایراد کردند، در این زمینه بیان داشتند:

«قرآن در جنگ طاغوت بود، دی اسیر بود. شما آن تاریخ ۲۳ ساله منظور کتاب ۲۳ سال نوشته علی دشتی [را خوانده‌اید یا نه؟ هیچ مسلمانی به خود اجازه می‌دهد که آن کتاب تاریخ ۲۳ ساله را بخواند و فریاد نزند؟ والان ممنون انقلاب نباشد.

آن تاریخ ۲۳ ساله را خوانده یا خوانده‌اید که رسول الله (ص) را اهانت و او را در سطح وسیع پخش کردند... یک مقدار نقطه ضعف‌هایی را ما داریم، اما این را از این قفس باز کردیم. قرآن را آزاد کردیم. انقلاب اسلامی که دارد به لطف الهی پیش می‌رود، ما باید بکوشیم که خود را دریابیم. اگر یکسری به جبهه‌ها بزنیم، می‌بینیم در جبهه‌ها چه می‌گذرد... اینچاگر کنگره‌ای، سمنیاری، سخنرانی و نامه‌هایی که برای می‌آید، یا فلان چیز کم است یا فلان چیز زیاد است، اما آنچا سخن این است چه کنیم که ولی‌عصر (حج) را ببینیم، چه کنیم که در قلب ما جز مهر حق چیزی نباشد، چه کنیم که به لقلای حق بی‌شاییم. سخن این است و وعده‌هایی هم یقینی است. هر گز خدا چنین ملتی را رها نمی‌گذارد و به لطف الهی انقلاب را پیش می‌برد. بکوشیم که عقب نمانیم....»

در واقع با گسترش معارف دینی در دو بخش معارف قرآنی و معارف شیعی، در سطح وسیع و با تقویت بنیان توحیدی اندیشه ایرانیان، کار دشمنان در ایجاد شبهه ذهنی و ایجاد بد‌گمانی به دین و دینداری و دینداران، بسیار سخت‌تر شد و خواهد شد.

منابع:

۱- امام‌دوره فرهنگی آستان قدس رضوی، «مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی حضرت رضاع)»، چاپ اول ۱۳۶۵، ش.

۲- خامنه‌ای، سیدعلی، «گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد»، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول تیر ۱۳۶۵.

۳- جوادی آملی، عبدالله، «سخنرانی آیت‌الله جوادی

آملی در کنگره جهانی حضرت رضاع) در سال ۱۳۶۵، ش»، مرکز تحقیقات رایانهای قائم‌اصفهان

۴- گزارش سومین کنگره جهانی حضرت رضاع)- ویژه بررسی ابعاد شخصیتی امام هفتم علیه‌السلام- مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۷۰، ش

الفقه یا فقه‌الرضا، منسوب به امام رضاع)، تحقیق

۹ جوان

مؤسسه آل البیت الاحیاء التراث، انتشارات المؤتمر العالمی للامام الرضا، مشهد مقدس، ۱۴۰۶ق.

الکیمیاء عبدالامام الرضاع)، دکتر سعدالدین قاسمی، کنگره دوم جهانی امام رضاع)، سال ۱۴۰۵ق.

الواقیبه درأسسه تحلیلیه، ریاض محمد، حبیب ناصری، المؤتمر العالمی للامام الرضاع)، مشهد، ۱۴۱۱ق.

ارویان امام رضاع) در مسند الرضا، عزیزالله عطاردی، کنگره جهانی حضرت رضاع)، مشهد، ۱۳۶۷ش.

عطاردی، عزیزالله، ادعیه و زیارات حضرت رضاع)، کنگره جهانی حضرت رضاع)، مشهد، ۱۳۶۸ش.

قرشی، باقر شریف، تحلیلی از زندگانی امام هسادی(ع)، ترجمه: محمد رضا عطانی، کنگره جهانی حضرت رضاع)، مشهد، ۱۳۷۱ش.

مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضاع)، کنگره جهانی حضرت رضاع)، مشهد، ۱۳۶۶ش.

مجموعه الآثار (المؤتمر العالمی الثالث للامام الرضا علیه‌السلام)، دوجلد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه‌السلام، مشهد، ۱۴۱۲ق.

مسند الامام الرضاع)،گردآوری: عزیزالله عطاردی، دوجلد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه‌السلام، ۴۰۶ق.

مسند الامام العسکری(ع)، گردآوری: عزیزالله عطاردی، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه‌السلام، قم، ۱۴۱۰ق.

مسند الامام الهادی(ع)، گردآوری: عزیزالله عطاردی، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه‌السلام، قم، ۱۴۱۰ق.

مکاتیب الامام الرضا، جمع آوری علی احمدی میانجی، انتشارات المؤتمر العالمی للامام الرضاع)، مشهد مقدس، ۱۴۱۱ق.

ولایة العهد للامام الرضاع)، شیخ محمدمهدی شمس‌الدین، کنگره دوم جهانی امام رضاع)، مشهد، ۱۴۰۵ق.

کلام آخر

در تاریخ معاصر کشورهای اسلامی، دشمنان اسلام با شبهه افکنی درباره معارف اسلامی از یک طرف و بانکوت کردن معارف دینی و تاریخ تمدن درخشان اسلامی که بر گرفته از اندیشه امامان شیعه بوده است، سعی در تصحیف اسلام و مسلمین داشته‌اند. در ایران مانیز بعد از شکست جنبش مشروطه و تسلط عناصر فرنگ‌گرا و وابسته به سفارتخانه‌های بیگانه در عرصه سیاست، جریانی برای حذف اندیشه دینی و به ویژه معارف شیعی، با تمام قوا به میدان آمد. البته با روی کار آوردن پهلوی‌ها به وسیله انگلستان، این جریان به شکل حکومتی به فعالیت خود ادامه داد و عناصر ضددین با شدت و حمایت بیگانگان، به ترویج تفکر خود اقدام می‌کردند. اما با شروع نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام(ره) و سپس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی،مقابله با این جریان موجب شد قدرت دشمن در حمله به اندیشه دینی کم شود. آنچه‌ان که به قول حضرت آیت‌الله جوادی آملی، انقلاب اسلامی سدی مقابل سیاست‌های ضد دینی پهلوی‌ها شد. ایشان در سخنرانی‌ای که در دومین دوره کنگره ایراد کردند، در این زمینه بیان داشتند:

«قرآن در جنگ طاغوت بود، دی اسیر بود. شما آن تاریخ ۲۳ ساله منظور کتاب ۲۳ سال نوشته علی دشتی [را خوانده‌اید یا نه؟ هیچ مسلمانی به خود اجازه می‌دهد که آن کتاب تاریخ ۲۳ ساله را بخواند و فریاد نزند؟ والان ممنون انقلاب نباشد.

آن تاریخ ۲۳ ساله را خوانده یا خوانده‌اید که رسول الله (ص) را اهانت و او را در سطح وسیع پخش کردند... یک مقدار نقطه ضعف‌هایی را ما داریم، اما این را از این قفس باز کردیم. قرآن را آزاد کردیم. انقلاب اسلامی که دارد به لطف الهی پیش می‌رود، ما باید بکوشیم که خود را دریابیم. اگر یکسری به جبهه‌ها بزنیم، می‌بینیم در جبهه‌ها چه می‌گذرد... اینچاگر کنگره‌ای، سمنیاری، سخنرانی و نامه‌هایی که برای می‌آید، یا فلان چیز کم است یا فلان چیز زیاد است، اما آنچا سخن این است چه کنیم که ولی‌عصر (حج) را ببینیم، چه کنیم که در قلب ما جز مهر حق چیزی نباشد، چه کنیم که به لقلای حق بی‌شاییم. سخن این است و وعده‌هایی هم یقینی است. هر گز خدا چنین ملتی را رها نمی‌گذارد و به لطف الهی انقلاب را پیش می‌برد. بکوشیم که عقب نمانیم....»

در واقع با گسترش معارف دینی در دو بخش معارف قرآنی و معارف شیعی، در سطح وسیع و با تقویت بنیان توحیدی اندیشه ایرانیان، کار دشمنان در ایجاد شبهه ذهنی و ایجاد بد‌گمانی به دین و دینداری و دینداران، بسیار سخت‌تر شد و خواهد شد.